

عدالتخواهی

یک تفکر ، یک وظیفه

سرمقاله

هان ای ملت های جهان که مستضعفید! از جای برخیزید و حق خود را بستانید و از عریده های قدرتمندان نهراسید که خدا با شماست و زمین ارث شماست.

عدالتخواهی و مطالبه گری وظیفه ملی و معنوی هر انسان آگاه ، بیدار و مسئولیت پذیرمی باشد و در وحله بعد اجرای عدالت و عدالت محور رفتار کردن که متاسفانه با فقدان آن از سوی برخی مدیران مواجه می باشیم ، پایه و اساس تشکیل یک نظام مبتنی بر اصول اسلامی و ایرانی ، که همانا ثمره انقلاب شکوهمند بهمن 57 دیده شده بود میباشد.

آنچه که متاسفانه در دوران پس از دهه شصت به فراموشی سپرده شد عدم توجه برخی مسئولین کلان کشور به مقوله های اجتماعی از جمله فقر می باشد که نه تنها مسولین و مدیران بلکه اقشار فرهیخته و فرهنگی کشور از جمله دانشجویان و دانشگاہیان نیز عکس العمل انقلابی و جهادی در مقابل این رفتار و عملکرد نشان ندادند.

نقش دانشگاه و بالاخص جنبش ها و تحركات دانشجویی در سالهای پس از جنگ ، چه در دوران بی فروغ و سازندگی و چه در دوران با اصطلاح اصلاحات و چه در زمان حال که ناقوس عدالت به صدا در آمده است و عدالت بازیچه دست برخی بااصطلاح انقلابیون گشته است ، آنچنان کم رنگ بوده که در تمامی این دوره ها مسئولین وقت به خود اجازه داده اند که از این غفلت اسفناک سو استفاده نموده و تمامی اندیشه های درست و غلط خود را بدون نظارت نهادهای مردمی و انقلابی از جمله دانشجو و دانشگاه به اجرا در آورند که متاسفانه نتایج مخرب برخی از این عملکردها به وفور در جامعه کنونی مشاهده می شود .

از جمله ی آنچه که گذشتگان و مدیران سابق نظام با عملکرد اشتباه و آگاهانه خود برای حال به میراث گذاشته اند فقر اقتصادی و فرهنگی مطلق می باشد که تنها و تنها به ثروتمند شدن ثروتمندان انجامیده است که حال باید قضاوت نمود این نتایج را با آرمانهای انقلاب خمینی !!؟

در دولت کنونی نیز که شعار عدالت اجتماعی و برخورداری همگان از امکانات به یک سطح مساوی مطرح گشته است و معاون اول ریاست جمهوری سرانه سالیانه 4 میلیون نفر را 30 هزار تومان اعلام نموده و از لفظ فقر خشن استفاده می نماید و وزیر رفاه از آمار 9/2 میلیون نفر انسان زیر خط فقر مطلق خبر می دهد ، عملکردهای غلط اجرایی جامعه را به سمتی سوق داده است که بازهم همان میراث ماندگار ادامه یابد و فقرا همچنان با فقر خود دست و پنجه نرم نمایند و ثروتمندان در ثروت خود غوطه ور شوند .

در این هیاهوها و اعلام خطوط و مرزبندی های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در جامعه ایران اسلامی ، آنچه که می توان آن را به خاموشی آگاهانه تعبیر نمود ، عدم تحرک ، آرمانخواهی و عدالتخواهی جامعه دانشگاهی در مقابل این ظلم های آشکار می باشد که نشان دهنده بی دغدغه بودن دانشجویان بااصطلاح آینده ساز بوده که وای بر جامعه آینده !!؟

دانشجوی متعهد و مسلمان باید بداند که از اصل و ریشه دانشجو بودن فاصله گرفته است ، دانشجویان قرن ارتباطات و اطلاعات باید بدانند که واقعه تسخیر لانه جاسوسی که از آن به انقلاب دوم یاد شده است را همین دانشجویان رقم زدند اما با یک تفاوت ظریف : آنها دغدغه مند بودند و بر پیمان خود با ولی خویش تا پای جان استوار بودند و می دانستند که دانستن و فریاد زدن تنها راه بقای تفکرشان بوده است .

دریافته بودند که به دور از هرگونه تسامح و تساهل و محافظه کاری ، هر شخص حقیقی و حقوقی را که از اصول نظام و انقلاب عدول نمود ، خواه از انقلابیون باشد و خواه از مخالفان ، رسوا نمایند چرا که در این صورت عمل به تکلیف و وظیفه نموده بودند و به سفارش ولیشان اعتقاد کامل داشتند که مکلف به انجام و ادای وظیفه بودند و نه قائل به نتیجه چرا که خداوند متعال نصرت به پیروزی داده است .

باید به این واقعیت تلخ اعتقاد داشته باشیم که هر اندازه دانشجو از عدالتخواهی و مطالبه گری فاصله گیرد به همان اندازه نیز جامعه و تمام واقعیت های تلخ و شیرین آن ، از دانشجو و دانشگاه فاصله می گیرند و آن زمان است که دیگر دوران مرگ دانشگاه فرا رسیده است . در زمانه ای که دین و دنیای مردم به سخره گرفته می شود و فریاد حق طلبی و عدالت از مد افتاده است ، باید به خاطر بیاوریم وصیت پیر جماران را که فرمود : صاحبان اصلی این انقلاب مستضعفان و پابرهنگانند و نیز همواره به یاد داشته باشیم که : نگذاریم این انقلاب به دست نامحرمان و نا اهلان بایفتد و به دور از تمام جهت گیریهای سیاسی بیاندیشیم که دانشگاه و دانشجو تا چه اندازه در جهت حفظ حرمت و تکریم اجتماعی و اقتصادی و .. مستضعفان جامعه گام برداشته است ؟

باید به قضاوت بیاندیشیم که در این هیاهوی عدالت و فوران بی عدالتی تا چه اندازه فریادهایمان جهت تحقق آرمانهای انقلاب خمینی روح خدا بوده است و به یاری مستضعفان و فقرا و پابرهنگان منجر شده است و چه مقدار از فریاد هایمان ، نوشته هایمان و تحركاتمان و عدالتخواهیمان را خرج بازیهای سیاسی و تفکرات الحادی گروههای مختلف سیاسی و اجتماعی نموده ایم !!؟

باید بدانیم که در جامعه کنونی و برای قشر دانشجو و دانشجوی متعهد ، دانستن جز لا ینکف زندگانی او می باشد و حال باید دانست که هردانستنی مسئولیتی بر دوش انسان قرار می دهد و که هرکس به نسبت توانایی و استعداد خود باید باری را بر دوش گیرد.

در جامعه دانشگاهی کنونی ایران اسلامی ، متاسفانه شاهد هزینه شدن اصول والای انقلاب و فراتر از آن ارزشهای انسانی از سوی برخی گروهها و تشکلهای اصولگرا ، اصلاح طلب و ... می باشیم که در این بین فقدان آنچه مسلم و مبرهن می نمایاند ، عدم رفتار اعتدال گونه ، آرمانخواهانه و بدور از هرگونه محافظه کاری و مطالبه گری می باشد که آنچنان تمامی اقشار دانشگاهی را تحت تاثیر قرار داده که یکی از عمده ترین دلایل رکود تحركات اصولی و بدور از تقسیم بندی های سیاسی می باشد . در بین تحركات دانشگاہیان آنچه که به نظر کمتر دچار بحران و آسیبهای موجود گشته حرکت دفاع از مستضعفین و پابرهنگان می باشد که از آن به عدالتخواهی یاد می گردد. عدالتخواهی و مطالبه گری پیش از آنکه یک سازمان نظم یافته باشد یک تفکر و فراتر از آن یک وظیفه می باشد و از آنجا که دانشجو کمتر در گیر و دار زندگانی روزمره بوده و می تواند بدون جهتگیری سیاسی و بدور از محافظه کاری به این امر بپردازد ، انتظار بیشتری از او می رود که اگر دانشجو به این وظیفه خویش عمل نکند شاهد آنچه خواهیم بود که متاسفانه در شرایط کنونی ، کم و بیش ، با آن مواجه می باشیم.

انقلاب خمینی = عدالت جهانی

خمینی روح خدا ، فرمانده کل قوا :

ما درصدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم ، به لطف و عنایت خداوند بزرگ ، نظام هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم.



می‌رویم تا خط امام بماند



خطی که از ابراهیم آغاز شد و در تداوم سرخ خویش با دست‌های پاک محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) و علی (علیه السلام) به قلب پرشور امام امت رسید تا رنج‌بران زمین را از جور حکومت قابیلیان برهاند.

می‌رویم تا خط‌امام بماند.

خطی که تبلور قاطعیت بر علیه جباران، عصاره عصیان مستضعفان علیه مستکبران، فریاد همیشه مظلومان، راه پیروز محرومان است.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که رسالت گسستن زنجیرهای اسارت از دست و پای مغضوبین زمین را برعهده دارد.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که پیام قیام پیروزمند مستضعفان را بر تارک تاریخ خواهد داشت و پوزه کثیف جلادان‌را سرانجام به خاک خواهد مالید.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که راه پیروز انقلاب کبیر اسلامی خلق دلاور ایران است و باید که حماسه‌ی قیام را تا دوردست‌ها بکشاند و نهال انقلاب را در دل خلق‌های تحت ستم جهان بنشاند.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که با نفی هرگونه سازشکاری و ستمکاری، نوید نابودی سازش‌گران و ستم‌کاران را باخود همراه داشت.

می‌رویم تا خط امام بماند.

خطی که پاسداران خون رزمندگان دلیر و شهیدان به خون خفته‌ی امت قهرمان ایران است.

خطی که سرانجام شوم امپریالیسم و سلطه گران اجنبی را هم اکنون برقله‌ی عالم نمایان ساخته و دژ مستحکم توحید را در دور دست‌های هر ستم‌کده برپا خواهد داشت.

می‌رویم تا خط امام بماند. دانشجوی شهید مهدی رجب بیگی

تسنگان قدرت ، آیا برای خدمت !!؟

نامه حکومتی امیرالمومنین به مالک اشتر : ((همیشه در فکر مشکلات آنان (مستضعفین) باش و از آنان روی بر مگردان بویژه کسانی که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو درسترسی دارند.)) نامه 53 نهج البلاغه کم کم به انتخابات مجلس نزدیک می شویم و نسیم های انتخاباتی به مشام می رسد. دوباره حزب های سیاسی جبهه بندی علیه یکدیگر را شروع کرده اند و هر کدام برای دیگری رجز می خواند . این حزب می گوید شما رای نمی آورید و اورا نصیحت می کند . آن حزب می گوید ما با قدرت ایستاده ایم و عزممان را برای پیروزی صد در صد ، جزم کرده ایم . این حزب می گوید ... آن حزب می گوید ... ، در این میان مردم انگشت به دهان مانده اند که این ها چه می گویند !؟ حقیقتا حرف اینها چیست ؟ کدام یک به فکر آنان هستند و به وعده های خود عمل خواهند نمود !!؟

مرا دلی است همه خون ز دین فروشی شیخ

مرا دلی است همه خون ز فسق سبجه شمار

مرا دلی است همه کین از جناح یمین

مرا دلی است همه نفرت از جناح یسار

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.